جامعه‌شناسی تاریخی
دورهٔ ۱۴، شمـارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱
مقاله علمی پژوهشی
DOR: http://dorl.net/dor/20.1001.1.23221941.1401.14.1.11.7

سرمایهٔ اقتصادی ـ اجتماعی بازاریان و نقش‌آفرینی آن‌ها در انقلاب مشروطه

سید علی‌اصغر حسینی نوذری[۱]، رضا فاضل[*۲]، حسین کردی[۳]

(دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۸)

چکیده

هدف از این تحقیق شناخت تأثیر سـرمایهٔ اقتصـادی و اجتمـاعی بازاریـان در دورهٔ قاجـار بـر نقش‌آفرینی آن‌ها در رونـد انقـلاب مشـروطیت ایـران، تـا صـدور فرمـان مشـروطیت توسـط مظفرالدین‌شاه، است. روش تحقیق در این پژوهش تـاریخی و جهـت گـردآوری اطلاعـات از سفرنامه‌ها، خاطرات، اسناد و مدارک تاریخی استفاده شده است. نتـایج حـاکی از آن بـوده کـه سرمایهٔ اجتماعی بازاریان در دورهٔ قاجار در کنار سرمایهٔ اقتصـادی آن‌هـا نقـش عمـده‌ای را در نقش‌آفرینی انقلابی بازاریان و پیروزی انقلاب مشروطیت داشته است. بازاریان دورهٔ قاجـار بـا به‌کارگیری سرمایهٔ اجتماعی انباشتهٔ خود در جامعهٔ شهری و استفاده از پول و نیروی کار تحت پوشش خود توانستند نقشی انقلابی در مشروطهٔ اول ایفا کنند و در میدان سیاسـت بـه قـدرت دست یابند.

---

۱. گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
https://orcid.org/0000-0003-1689-9981
۲. گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)
rfazel49@gmail.com
https://orcid.org/0000-0003-3785-4993
۳. گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
https://orcid.org/0000-0002-6895-8093

واژه‌های کلیدی: سرمایهٔ اجتماعی، سرمایهٔ اقتصادی، بازاریان، انقلاب مشروطیت، نقش‌آفرینی انقلابی.

مقدمه

نگاهی به تاریخ پرفرازونشیب ایران در دورهٔ معاصر نشان می‌دهد با شـکل‌گیری جـنش مشروطه روند تحولات ایران وارد مسیری جدید شده است. در جنبش مشـروطه بـرای اولین‌بار کارگزاران و نیروهای اجتماعی دخیـل در آن مطالبـات سیاسـی و اجتمـاعی را مطرح کردند که قبل از این دوران در تحولات قبلـی تـاریخ ایـران به‌چشـم نمی‌خـورد. نیروهای این جنبش خواستار نظام سیاسی و نهادهـای جدیـدی بوده‌انـد کـه ناشـی از آگاهی آنان از تحولات جهانی و به‌خصوص اروپا و ظهور مدرنیته در غرب بوده اسـت. هرچند که تحولات سدهٔ اخیر ایران ازیک‌سو ملهم از تحولات جهـانی و گـذار جوامـع غربی از سنتی به مدرن بوده است، اما از سوی دیگر، در ایران نیروهای اجتمـاعی ماننـد بازاریان، روحانیون، روشنفکران، و در جنبش مشروطه علاوه‌بر ایـن گروه‌هـا ایـلات و عشایر، از عوامل اصلی جنبش‌های اخیر بوده‌اند. در میان گروه‌های فوق‌الـذکر بازاریـان جز گروه‌هایی بوده‌اند که تقریباً در تمامی جنبش‌های ایـن سـده نقش‌آفرینـی کرده‌انـد. چنانکه اشرف در این خصوص می‌گوید: «مبارزات تجار بر ضـد اسـتبداد و اسـتعمار از اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری قمری پدید آمد و سرآغازی شد برای کوشش‌های متشکل و هم‌بستهٔ آنان که ابتدا در کوشش متشکل آنان برای ایجاد مجلـس وکلای تجار در تهران و شهرهای بـزرگ آغـاز گردیـد و آنگـاه در جنـبش تنبـاکو اوج گرفت و سپس در نهضت مشروطیت به کمال خود رسید» (اشـرف، ١٣٥٩، ص. ١٠٦). در جنبش مشروطهٔ بازاریان در اتحاد با روحانیون مشروطه‌خواه، به همراه روشـن‌فکران، از تشکیل مجلس ملی حمایـت کردنـد و رؤسـای اصـناف و تجـار بـه‌طور فعالانـه در

اعتراض‌هایی همچون بستن مغازه‌ها و تحصن در سفارت انگلیس مشارکت کردند و پس از پیروزی مشروطه حدود ٤٠ درصد از کل نمایندگان را تجار و رؤسای اصناف دربرمی‌گرفتند (اشرف و بنوعزیزی، ۱۳۸۷، صص. ۱۳۰ـ۱۳۳). باتوجه به شواهد موجود درمورد نقش بازار در تحولات معاصر ایران تاکنون تحقیقات اندکی درمورد چرایی حضور بازاریان و ویژگی‌هایی که به نقش‌آفرینی این گروه در جنبش‌های اجتماعی سدهٔ اخیر ایران منجر شده، انجام شده است، اما این تحقیق باتوجه به آنچه در سطور فوق آمده است به‌دنبال پاسخ به این سؤال است: سرمایهٔ اقتصادی و اجتماعی بازاریان در دورهٔ قاجار چگونه بر نقش‌آفرینی آن‌ها در انقلاب مشروطه اثر گذاشته است؟

مبانی و چارچوب نظری

مارکس در تحلیل نقش نیروهای اجتماعی در روند تحول جامعه سرمایه‌داری به سوی انقلاب، معتقد است طبقات میانی (مانند خرده‌بورژوازی) به دو طبقهٔ اصلی یعنی بورژوا و کارگر می‌پیوندند. در اندیشهٔ مارکس طبقات متوسط (میانی) نمی‌توانند به‌عنوان طبقه‌ای انقلابی نقش ایفا کنند، آن‌ها انقلابی نیستند، بلکه محافظه‌کار و گروهی مرتجع‌اند (مارکس، ۱۳۸۸، ص. ۵۰-۵۱).

مارکس با تحلیل نقش طبقات اجتماعی و ویژگی‌های آن‌ها در تحولات اجتماعی فرانسه در میانهٔ قرن ۱۹ نشان می‌دهد چگونه انقلاب ۱۸٤۸م به تأسیس دولت ارتجاعی ۱۸۵۱ و بازگشت به عقب جامعهٔ فرانسه منجر شده است و بورژوازی به‌دلیل منافع خصوصی حتی منافع عام طبقاتی خود را نیز فدا می‌کند و این امر به حذف بورژوازی از قدرت و به قدرت رسیدن سلطنت طلبان و لویی بناپارت منجر می‌شود (مارکس، ۱۳۸۱، ص. ۱۱۸).

اندیشمندان مارکسیست پس از مارکس هم عقیده با وی معتقد به عدم وجود روحیهٔ انقلابی‌گری در طبقات متوسـط بـوده و آن‌هـا را بـه‌علت داشـتن موقعیـت بینـابینی در ساختار طبقاتی جامعه فاقد قدرت انقلابی‌گری می‌دانند. چنانکه لنین در تحلیل خـود از انقلاب ١٩١٧ روسیه بر تزلزل طبقهٔ خرده‌بورژوا تأکید مـی‌ورزد. از نظـر وی توده‌هـای خرده‌بورژوا در تمام کشورها همواره چنین بوده‌اند، به‌خصوص بین سـال‌های ١٧٨٩ تـا ١٨٧١ فرانسه و در انقلاب روسیه، خرده‌بورژواها می‌خواهنـد بـا بـورژوازی در قـدرت سهیم شوند، بدون اینکه آن را سرنگون سازند و این ناشی از خویشاوندی طبقاتی آن‌ها با بورژوازی است (لنین، ١٣٦٠، صص.٨ـ ٣٠).

پولانزاس نیز در تحلیل نقش نیروهای اجتماعی در انقلاب‌هـا معتقـد اسـت، مبـارزهٔ طبقاتی (طبقـات در حـین مبـارزهٔ طبقـاتی شـکل می‌گیرنـد) در شـکل‌بندی اجتمـاعی سرمایه‌داری حول دو طبقه اصلی، یعنـی بـورژوازی و طبقـهٔ کـارگر، متمرکـز اسـت و همانند مارکس طبقهٔ خرده‌بـورژوا را فاقـد جهـت‌گیری انقلابـی می‌دانـد و هـردو ایـن ویژگی مشترک را دارند که نه به بورژوازی و نه به طبقهٔ کارگر تعلق دارند (پـولانزاس، ١٣٩١، صص. ٢٦٣ـ ٢٦٤).

پولانزاس برای خرده‌بـورژوازی جدیـد و سـنتی از نظـر ایـدئولوژیک ویژگی‌هـایی همچون، ایدئولوژی ضدسرمایه‌دارانه، ولی اصلاح‌طلبانه و مقاوم در برابر تحول انقلابـی جامعه، قدرت پرستی و پیوند با بناپارتیسم و فاشیسم و فقدان موضع سیاسی خودمختار درازمـــدت را برمی‌شـــمرد (همـــان، صـــص. ٣٦٣-٣٦٨). وی باتوجـــه بـــه جایگـــاه خرده‌بورژوازی سنتی و جدیـد در شـکل‌بندی اجتمـاعی و نقـش سـه عنصـر اقتصـاد، ایدئولوژی و سیاست در تعیّن طبقاتی این طبقـات و جایگـاه آن‌هـا در مبـارزهٔ طبقـاتی معتقد است:

طبقهٔ خرده‌بورژوا هیچ کجا از لحاظ سیاسی طبقهٔ مسلط نبوده است، بلکه فقط در برخی از موارد مانند فاشیسم جای طبقهٔ حکومت‌کننده را در زمینهٔ سلطه و سرکردگی سیاسی بورژوازی گرفته است؛ یا به شکلی ارتجاعی مانند برزیل «بورژوازی دلال» سلطهٔ سیاسی را در دست گرفته و یا به‌شکل یک بورژوازی دولتی جای یک بورژوازی استعماری خارجی را گرفته است (همان، صص. ۳۷۳–۳۷٤).

بوردیو در تحلیل گرایش سیاسی طبقات مختلف اجتماعی علاوه‌بر سرمایهٔ اقتصادی، بر اشکال دیگر سرمایه مانند سرمایهٔ اجتماعی، فرهنگی، نمادین و سیاسی در تعیین جایگاه عاملان اجتماعی در فضای اجتماعی تأکید می‌ورزد. وی جامعه را همچون فضایی اجتماعی مرکب از مجموعهٔ به‌هم‌پیوسته‌ای از موقعیت‌ها درنظر می‌گیرد (بوردیو، ۱۳۹۱، ص. ۲۳۷). با ترسیم فضای اجتماعی می‌توان جایگاه عاملان و دوری و نزدیکی آن‌ها را با یکدیگر براساس سرمایهٔ اقتصادی و فرهنگی‌شان، مشخص کرد (بوردیو، ۱۳۸۹، ص. ۳۳).

از نظر بوردیو فضای اجتماعی دربرگیرندهٔ خرده‌فضاهایی است که میدان می‌نامد و هریک از آن‌ها شرایط، موضوعات و منافع خاص خودشان را دارند (مانند میدان ادبی، علمی، سیاسی، دانشگاهی، دینی، و تجاری). میدان‌های اجتماعی مختلف در اندیشهٔ بوردیو عرصه‌ای برای مبارزه بر سر منافع معین نیز هستند. آن‌ها محل مبارزه برای دستیابی به کالاهای فرهنگی، قدرت سیاسی، منزلت و... هستند (جنکینز، ۱۳۸۵، ص. ۱۳٦).

بوردیو، در کتاب *تمایز* به بررسی ویژگی‌های طبقات مختلف و گرایش‌های سیاسی آن‌ها در جامعهٔ معاصر می‌پردازد. وی درمورد خرده‌بورژوازی معتقد است: «خرده‌بورژواها که از دو قطب انتهایی میدان طبقات اجتماعی فاصلهٔ مساوی دارند و

روی نقطهٔ خنثایی هستند؛ پیوسته با تردیـدها و دوراهی‌هـای اخلاقـی، زیباشـناختی یـا سیاسی مواجه می‌شوند؛ هر لحظه آماده‌اند که از موجودی رام و سر به زیـر و مطیـع بـه موجودی مهاجم و پرخاشگر مبدل شوند» (بوردیو، ١٣٩١، ص. ٤٧٤). خرده‌بـورژوازی یکی از آن گروه‌هایی است که در عین ناخرسندی از وضع موجـود آرزوی رسـیدن بـه ارزش‌های طبقهٔ فرادست را به تصویر می‌کشد . خرده‌بورژواها اکراه خاصی به مصـالحه با حزب کمونیست دارند. آن‌ها همیشه در تزلزل و تردید هسـتند، و بـه هنگـام بحـران، می‌توانند ناگهان تغییر موضع دهند (همان، ص. ٦٢٤).

مـور در کتـاب *ریشـه‌های اجتمـاعی دیکتـاتوری و دموکراسـی* سـه نـوع انقـلاب بورژوازی، انقلاب محافظه‌کارانه از بالا و انقلابات دهقانی را در روند تحول و نوسازی جوامـع از سنتی به مدرن مطـرح می‌کنـد. در انقلاب‌هـای بـورژوازی (راه اول توسـعه) کـه نتیجـهٔ آن تشکیل دموکراسی غربی است عواملی همچون تعادل بین دربار خودکامـه و اشـراف زمـین‌دار خودسر، عدم توانایی دربار در اعمال قدرت سیاسی کامل و مقاومـت اشـراف در برابـر دربـار، اتخاذ کشاورزی تجاری به‌وسیلهٔ اشراف زمین‌دار یا دهقانان، استقلال طبقهٔ بـورژوا از فئـودال و در پایان عدم ائتلاف بین اشراف و بورژوا علیه دهقانـان و کـارگران از شـرایط لازم توسـعهٔ دموکراتیک است (مور، ١٣٧٥، صص.٢١ـ ٢٣).

فورن معتقد است:. «برای اینکه یک انقلاب اجتماعی موفق شکل بگیـرد، بایـد پـنج عامل علی با هم ترکیب شوند: ١) توسعهٔ وابسته؛٢) حکومت سـرکوبگر، انحصـارگرا و متکی به شخص؛ ٣) شکل‌گیری و تبلور فرهنگ‌های سیاسی مقاومت و بحـران انقلابـی همراه با؛ ٤) رکود اقتصادی و ٥) ارتباط باز با نظام جهانی (یعنی امکان نفوذ خـارجی)» (١٣٨٤، ص. ٣٠٠). پنج عامل فوق از نظر فورن به شرایطی منجـر می‌شـوند کـه امکـان تقویت جنبش‌های اجتماعی را به‌وجود می‌آورد.

از نظر تیلی «انقلاب هنگامی آغاز می‌شود که حکومتی که سابقاً تحـت کنتـرل یـک جامعهٔ سیاسی حاکم قرار داشت، هدف ادعاهای مـؤثر، رقیـب و نفی‌کننـدهٔ یکـدیگر از

سوی دو یا چند جامعهٔ سیاسی مجزا قرار گیرد. انقلاب وقتی پایان می‌یابد که یک جامعهٔ سیاسی واحد بار دیگر کنترل حکومت را به‌دست گیرد» (تیلی، ۱۳۸۵، ص. ۸۱).

در وضعیت انقلابی سه عامل متأثر از هم با یکدیگر تلاقی می‌کنند و یک عامل تسهیل‌کننده نیز به آن اضافه می‌شود: ۱. ظهور افراد یا ائتلاف‌هایی که هر یک خواهان حذف دیگری در دستیابی به حکومت هستند؛ ۲. حمایت بخش عمدهٔ مردم از این مطالبات؛ ۳. حاکمان کنونی در وضعیتی نیستند یا ارادهٔ آن را ندارند که ائتلاف جانشین یا حامیان آن‌ها را سرکوب کنند؛ ٤. (عامل تسهیل‌کننده) تشکیل ائتلاف‌هایی میان اعضای جامعهٔ سیاسی و مدعیانی که ادعاهای جدیدی را مطرح کردند (تیلی، ۱۳۸۳، ص. ۳۷؛ همو، ۱۳۸۵، ص. ۸۲).

در بسیاری از نظریه‌های فوق خرده‌بورژوازی، به‌علت جایگاه میانی‌اش در جامعه، نیرویی انقلابی در تحولات جوامع درنظر گرفته نمی‌شود و اگر هم گه‌گاهی موضع انقلابی دارد احتمال تغییر موضع از سوی آن‌ها بسیار زیاد است. اما آنچه در انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ش) ایران رخ داده بازاریان تا صدور فرمان مشروطیت به‌عنوان یک نیروی اجتماعی انقلابی تأثیرگذار در جنبش مشروطه نقش‌آفرینی کرده‌اند؛ هرچند ممکن بوده بعد از پیروزی جنبش و در جریان بعد از انقلاب نوع نقش‌آفرینی خود را تغییر داده باشند. باتوجه به نظریه‌های بررسی‌شده در فوق، در این پژوهش چارچوب نظری تلفیقی برای تبیین نقش‌آفرینی بازاریان در انقلاب مشروطه تدوین شده است. در بیشتر نظریه‌های مارکسیستی انقلاب بر ویژگی اقتصادی طبقات اجتماعی تأکید می‌شود و انواع دیگر سرمایه مانند سرمایهٔ اجتماعی آن‌ها مدنظر قرار ندارد. در همین راستا، معتقدیم جهت تبیین حضور بازاریان به‌عنوان یک نیروی اجتماعی در انقلاب مشروطه برای دستیابی به قدرت در میدان سیاست علاوه‌بر سرمایهٔ اقتصادی و موقعیت اقتصادی آن‌ها باید به سرمایهٔ اجتماعی آن‌ها توجه کرد.

وقوع انقلاب مشروطه و نقش‌آفرینی انقلابی بازاریان در آن، به‌عنوان شکلی از تغییر اجتماعی در فضای اجتماعی دوران قاجار، را می‌توان چنین تحلیل کرد. در جامعهٔ ایران تا قبل از آشنایی ایران با غرب و مدرنیته (بـه‌عنوان عوامـل بیرونـی) بازاریـان بـه‌عنوان عاملان اجتماعی میدان اقتصادی، تلاشـی در جهـت کسـب قـدرت در میـدان سیاسـت نداشته‌اند. از سوی دیگر سرمایهٔ اجتماعی و سرمایهٔ انسانی (نیروی نظـامی و جنگـاور) این فرصت را به ایلات می‌داده تـا بـرای به‌دسـت گـرفتن حکومـت بـه بسـیج نیروهـا بپردازند. اما برخورد ایـران بـا مدرنیتـه و نظـام رو بـه گسـترش سـرمایه‌داری سـاختار میـدان‌های مختلـف جامعـه (سیاسـی، اقتصـادی و فرهنگـی) را دچـار بحـران کـرد و کشمکش میان عاملان میدان‌های مختلف (بازاریان و روحانیون با دولت، روشـنفکران و روحانیت و...) را به‌وجود آورد.

در کنار تحولات جهانی در عرصهٔ سیاسـی ـ اقتصـادی و قـرار گـرفتن ایـران در موقعیـت وابسـتگی(به‌عنوان عوامـل بیرونـی)، در درون فضـای اجتمـاعی ناسـازی و کشمکش بـین عـاملان در میـدان‌های مختلـف، به‌خصـوص بازاریـان (البتـه بـا کمـک روحانیت) و روشنفکران با دولت، سر برآورد. آشنایی بازاریان با غرب و درخطر قـرار گرفتن سرمایه‌های اصلی این طبقه یعنی سرمایهٔ اقتصـادی آن‌هـا، بـه ورود بازاریـان بـه میدان سیاست و تلاش برای دستیابی به قدرت متمایل منجـر شـد. آنچـه مسـلم اسـت سرمایهٔ اصلی آن‌ها یعنی سرمایهٔ اقتصادی (به‌عنوان نقطهٔ قدرت آنان) و بـه‌خطر افتـادن منافع طبقاتی بازاریان بوده که به شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی مانند جنبش تنبـاکو و نقش‌آفرینی آن‌ها در انقلاب مشروطه منجر شد. اما آن‌ها علاوه بـر سـرمایهٔ اقتصـادی، سرمایهٔ اجتماعی منحصربه‌فردی داشته‌اند که در دیگر طبقات کم‌تر وجود داشـته و بـه آن‌ها قدرت بسیج‌کنندگی جهت حضور در انقلاب را می‌داده است. بازاریان بـا حضـور در شهر و در کنار حکومت، تشکیل بخش عمدهٔ جمعیت شهری، تمرکز فضایی، داشتن

نهادهای رسمی و غیررسمی اجتماعی ازقبیل اصناف، هیئت‌های مذهبی، مشارکت اجتماعی در ساخت کاروان‌سراها، مساجد و... رابطه با دیوان‌سالاران و همچنین داشتن رابطهٔ نزدیک با روحانیت در درون شهرها از طریق حضور در مساجد و پرداخت وجوه شرعی، توانستند در انقلاب مشروطه نقش بسزایی ایفا کنند.

این پژوهش برپایهٔ نظریه‌های فوق و باتوجه به نقش‌آفرینی بازاریان در انقلاب مشروطه و جنبش‌های معاصر ایران، به دنبال پاسخ به این سؤال است که سرمایهٔ اقتصادی و اجتماعی بازاریان چگونه بر نقش‌آفرینی آن‌ها در انقلاب مشروطه جهت دستیابی به قدرت اثرگذار بوده است؟ به‌عبارت دیگر تبیین سازوکار نقش‌آفرینی بازاریان در انقلاب مشروطیت در دستور کار پژوهش حاضر است و به چگونگی تأثیر سرمایهٔ اقتصادی ـ اجتماعی بازاریان بر نوع نقش‌آفرینی آن‌ها در انقلاب مشروطه توجه دارد. بر همین اساس فرضیه‌های اصلی این تحقیق عبارت‌اند از:

بین نوع سرمایهٔ اقتصادی بازاریان در دورهٔ قاجار و نوع نقش‌آفرینی آنان در انقلاب مشروطه جهت دستیابی به قدرت در میدان سیاست رابطه وجود دارد.

بین گسترش سرمایهٔ اجتماعی بازاریان در دورهٔ قاجار و نوع نقش‌آفرینی آن‌ها در انقلاب مشروطه جهت دستیابی به قدرت در میدان سیاست رابطه وجود دارد.

متغیرهای تحقیق و شاخص‌ها

متغیر وابسته	معرف‌ها
نوع نقش‌آفرینی بازاریان در انقلاب مشروطه	انقلابی و مخالف وضع موجود ضد انقلابی و موافق وضع موجود میانه روی و اصلاح طلبی بی طرفی سیاسی

متغیرمستقل	مولفه‌ها	ابعاد	معرف‌ها
سرمایهٔ اجتماعی	اعتماد اجتماعی	فردی	اعتماد متقابل بازاریان به یکدیگر مانند قرض دادن به یکدیگر و سپردن اموال
			اعتماد متقابل مردم بـه بازاریـان ماننـد عقیـده بـه منصف بودن، راستگویی و تعهد بازاریان
		نهادی	اعتمـاد متقابـل بـین بازاریـان و دیوان‌سـالاران و اشراف
	عضـــویت در شـــبکه‌های اجتماعی	شبکه‌های غیررسمی و رسمی	هیئت‌های مذهبی، مساجد، قهوه‌خانه‌ها، شبکه‌های خانوادگی، صنف
	مشـــارکت اجتماعی	مشـارکت در امـــور عام‌المنفعه	مشارکت در ساخت مدارس، ساختن پل و راه‌هـا، ساخت مساجد، وقف مشارکت در چاپ و نشر روزنامه، مجله
		حمایـــت متقابـــل بازاریان از یکدیگر	حمایـت بازاریـان از یکـدیگر در مقابـل دولـت شکل بستن بازار و بست‌نشینی حمایـت بازاریـان از یکـدیگر در مقابـل توسـعهٔ شرکت‌های خارجی
		حمایـــت بازاریان از دیگـــــر گروه‌هـای اجتماعی	حمایت و کمک به مستمندان و افراد فقیر جامعه حمایت متقابل بازار و روحانیت
سرمایهٔ اقتصادی			نیروی کار، پول، شرکت‌های تجاری

روش تحقیق و ابزار گردآوری داده‌ها

روش تحقیق در این پژوهش تاریخی بوده و شیوهٔ گردآوری اطلاعات، «کتابخانه‌ای و اسنادی» است. ابزار گردآوری «فیش» و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، تجزیه و تحلیل سفرنامه‌ها، خاطرات، اسناد و مدارک تاریخی دردوران قاجار است. باتوجه به اینکه بازاریان در شهرهای مختلف فعال بوده‌اند در توصیف وضعیت سرمایهٔ اقتصادی و اجتماعی آن‌ها، تمرکز این پژوهش بر روی بازاریان ایرانی (در شهرهایی مانند تهران، شیراز، بوشهر، اصفهان و تبریز) است، ولی درمورد نقش‌آفرینی در انقلاب مشروطه بر نوع نقش‌آفرینی بازاریان در تهران، به‌عنوان کانون انقلاب، تاکید می‌شود. در این تحقیق واحد تحلیل گروه بازاریان هستند. لذا جهت بررسی ویژگی‌های این گروه اجتماعی از سفرنامه‌ها، وقایع‌نگاری‌ها، خاطرات و کتب تاریخ اجتماعی ـ اقتصادی، که درمورد بازاریان دوران قاجار و مشروطیت اطلاعات داشته‌اند، استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

توصیف سرمایهٔ اقتصادی بازاریان در دورهٔ قاجار

در این بخش سعی شده تا ابعاد و میزان سرمایهٔ اقتصادی بازاریان اعم از جمعیت و نیروی کار، پول و شرکت‌های تجاری باتوجه به اسناد موجود، موردبررسی قرار گیرد.

الف) جمعیت و نیروی کار

آمار طبقه‌بندی‌شده و دقیقی از نیروی کار بازاریان دورهٔ قاجار وجود ندارد، اما آمار موجود نشان از وجود یک طبقه خرده‌بورژوازی گسترده و تعداد کمی شبه‌سرمایه‌دار در دورهٔ قاجار دارد که به موازات رشد موقعیت وابستگی ایران در نظام سرمایه‌داری و صادرات کالاهای خام، صرافی و ملک‌داری رشد کرده‌اند. طبق داده‌های جدول ۱،

فورن در تخمین درصد جمعیت ایران براساس شیوهٔ تولید، جمعیت سرمایه‌داران را در اواخر قرن ١٨ و اوایل قرن ١٩ میلادی حدود ٣ تا ٤ درصد و جعیت طبقهٔ خرده‌سرمایه‌دار را بین ١٧ تا ٢٢ درصد برآورد می‌کند (فورن، ١٣٨٣، ص. ٢١٢).

جدول ١: درصد جمعیت ایران براساس شیوهٔ تولید ١٩١٤- ١٦٣٠م/ ١٢٩٣- ١٠٠٩ش (فورن، ١٣٨٣، ص. ٢١٢)

سال	بستانکار	دهقان سهم‌بری	خرده کالایی	سرمایه‌دار
١٦٣٠	٤٠- ٣٣	٥٥- ٤٥	١٠-١٥	٠
١٨٠٠	٥٠- ٣٠	٥٠- ٤٠	١٠	٠
١٩١٤	٢٥	٥٥- ٥٠	٢٢- ١٧	٤- ٣

اشرف آماری از جمعیت بازاریان تهران طبق احصائیهٔ اصناف تهران در سال ١٣٤٥ق ذکر می‌کند که نمایانگر اوضاع اجتماعی در اواخر قاجاریه و اوایل دورهٔ پهلوی است و تعداد ٢٠٢ نوع شغل مشخص شده است که توزیع دسته‌جمعی آن‌ها برحسب رده‌های اصلی و مشخصات عمده در جدول ٢ آمده است (اشرف، ١٣٥٩، ص. ٢٤).

جدول ٢: مشخصات عمدهٔ تجار و اصناف تهران در سال ١٣٤٥ق (اشرف، ١٣٥٩، ص. ٢٤)

رده‌های اصلی	انواع مشاغل	تعداد دکان	استاد	شاگرد	پادو
تجار	١٤	٨٢٢	٧٣٤	٨٧٦	١٣٤
کسبه	٨٩	٩٥٨٩	٧٤٩٨	٦١٩٧	١٥٣٨
پیشه‌وران	٩٩	٤٩٨٨	٥٠٣٤	٧١٢٨	٢٦٣١
جمع	٢٠٢	١٥٣٩٩	١٣٢٦٦	١٤٢٠١	٤٣٠٣

آمار فوق از جعیت بازاریان و فعالیت گستردهٔ آنان در اقتصاد شهری ایران به آن‌ها قدرت لازم را در تشکیل شبکه‌های اجتماعی رسمی (مانند صنف) و غیررسمی (مانند گروه‌های مذهبی و عضویت در پاتوق‌های خاص خود) می‌داده است. بازاریان به پشتوانهٔ جمعیت متمرکز شهرنشین، هم‌بستگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی گسترده‌ای

که داشته‌اند به بزرگ‌ترین نیروی اعتراضی در جنبش‌های اجتماعی این دوره تبدیل شدند و سرانجام با بست‌نشینی پانزده هزار نفری در سفارت، که معادل یک سوم نیروی کار در تهران بوده است (آفاری، ۱۳۸۵، ص. ۸٤)، و حمایت از مشروطه توانستند به پیروزی در مقابل حکومت دست یابند.

ب) سرمایهٔ اقتصادی بازاریان ـ پول

در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم و با گسترش فعالیت بازرگانی برخی از بازاریان به‌واسطهٔ گسترش تجارت خارجی، صادرات مواد خام و واردات کالاهای خارجی، زمین‌داری و صرافی توانستند میزان سرمایهٔ مالی خود را افزایش دهند. ناطق می‌گوید: «بازرگانان ایرانی قبل از ۱۸۵۰م شاید سه تا چهار نفرشان ۳۰ تا ٤۰ هزار تومان سرمایهٔ نقدی داشتند» (ناطق، ۱۳٦۸، ص. ۲۱۲). گزارش فلور از میزان سرمایهٔ تجار ایرانی در نیمهٔ دوم قرن نوزده نشان می‌دهد که با رونق صادرات مواد خام و واردات مصنوعات خارجی و خرید زمین در شهرهای بزرگ ایران تعدادی سرمایه‌دار در بازار ظاهر شده‌اند که سرمایهٔ آن‌ها چشمگیر بوده است:

> در استرآباد حاجی محمدحسن و حاجی علی‌احمد سرمایه‌داری در حدود صد و ده هزار تومان داشتند. در ۱۸۹۳ در یزد کنسول انگلیس گزارش داد که در اینجا تعدادی تاجر ثروتمند هست که سرمایهٔ تجاری آن‌ها در حدود دو میلیون تومان است. در شیراز در ۱۹۰٤ تخمین می‌زدند که سرمایهٔ تجار ایرانی بیش از شش میلیون تومان است. می‌گفتند حاجی محمدحسن امین‌الضرب ۲۵ میلیون تومان ثروت دارد؛ معین‌التجار از ملک‌داری، معدن‌کاری و تجارت با اروپا و هند صاحب ثروت کلان گشت، تخمین می‌زدند که یک تا دو میلیون تومان ثروت دارد. سرمایه‌داران بزرگ دیگر که در کار خود موفق بودند عبارت‌اند از محمد اسماعیل

مغازی تبریزی، حاجی محمدتقی شاهرودی و ملک‌التجار تهران ازجمله تجار غیرمسلمان برادران تومانیانت (ارمنی) فقط در روسیه بالغ بر ٢٤ میلیون قرآن در ١٩١٧ دارایی داشتند و ارباب جمشید (پارسی) از نمونه‌های تاجران موفق بودند (همان، صص. ١٧١ـ ١٧٢).

کرزن در ١٨٨٩ م (١٢٦٧ ش و ١٣٠٦ ق) در سفر به ایران در مشهد تعداد صراف‌ها را ١٤٤ صرافی خصوصی با جمع سرمایهٔ ٩٣١٠٠٠ تومان یا ٢٦٦٠٠٠ لیره ذکر می‌کنند که فقط دو تا از آن‌ها هر کدام صدهزار تومان (٢٨٥٧٠ لیره) و سه تا از آن‌ها پنجاه هزار تومان (١٤٢٨٥ لیره) و دو تا با سرمایهٔ سی هزار تومان (٨٥٧٠ لیره) و بقیه صراف جزء بوده‌اند (کرزن، ١٣٨٧، ص. ٢٣٤).

طبق گزارشات این دوران تعداد کمی از بازاریان بیش از ٤٠ تا ٥٠ هزارتومان پول داشته‌اند و معمولاً قسمت عمدهٔ بازاریان رده بالاتر بین ١٠ تا٤٠ هزار تومان پول داشته‌اند (اشرف، ١٣٥٩، صص. ٧٣-٧٤؛ عیسوی، ١٣٨٨، ص. ٦٥). بنابراین بخش عمدهٔ بازار (ردهٔ متوسط) کم‌تر از ١٠هزار تومان سرمایهٔ پولی داشته‌اند.

اما همین تعداد از تجار بزرگ با همکاری بازاریان رده‌متوسط در جنبش مشروطه، با حمایت مالی و غیرمالی از جنبش، نقشی انقلابی ایفا کردند. تأمین مالی رهبران جنبش، قبول هزینه‌های بست‌نشینی و حتی حمایت از کسبهٔ خرده‌پا و شاگردان آن‌ها برای تعطیل نگه داشتن بازار اقداماتی بوده که ادامهٔ روند جنبش مشروطه را امکان‌پذیر کرد (ترابی، ١٣٨٤، صص. ١٣٦-١٣٧).

ج) سرمایهٔ اقتصادی بازاریان ـ شرکت‌ها

با گسترش فعالیت شرکت‌ها و بازرگانان خارجی در ایران، بازاریان و به‌خصوص تجار ایرانی برای رقابت با بازرگانان خارجی در نیمهٔ دوم قرن ١٩ شروع به تأسیس شرکت‌های تجاری کردند. تأسیس شرکت‌های تجاری، شبکه اقتصادی ـ اجتماعی جدیدی برای آن‌ها به‌وجود آورد و به آن‌ها در آگاهی از وضعیت اقتصادی ـ اجتماعی

داخلی و خارجی کمک کرد. بیشتر این شرکت‌ها با تبدیل به واسطه‌های شرکت‌های خارجی و تهیه‌کنندهٔ مواد خام برای آن‌ها شدند و یا به کار صرافی جهت رقابت با بانک‌ها برآمدند. روند تشکیل شرکت‌ها در ایران حتی به شهرهای کوچک نیز نفوذ یافت و بازاریان در شهرهای کوچک دست به تشکیل شرکت یا سندیکا می‌زدند (عیسوی، ۱۳۸۸، ص. ٦٧).

از شرکت‌های معروف این دوران می‌توان از جمشیدیان، اتحادیه، محمودیه، مسعودیه، جهانیان، شرکت عمومی ایران و کمپانی فارس، کمپانی تریاک و شرکت اسلامیه نام برد. به‌جز شرکت اسلامیه مابقی شرکت‌ها علاوه‌بر واردات کالاهای خارجی و صادرات مواد خام، فعالیت گسترده‌ای در صرافی داشته‌اند (ترابی، ١٣٨٤، ص. ٧٤). برخی از سهامداران و مؤسسان شرکت‌ها، نقش عمده‌ای در انقلاب مشروطه و پایداری جنبش داشته‌اند.

بازاریان در روند جنبش مشروطه به‌سبب دردست داشتن سرمایهٔ اقتصادی، به‌خصوص پول و نیروی کار شهری، نقش انقلابی در پیروزی مشروطه و تشکیل اولین مجلس شورای ملی ایفا کردند. آن‌ها از طریق حمایت مالی از بست‌نشینان در حرم عبدالعظیم، حمایت مالی از مهاجرت به قم و همچنین بستن بازار و پرداخت هزینه‌های تحصن در سفارت انگلیس و بسیج نیروی کار بازار، در پیروزی انقلاب مشروطه نقشی پیش‌رو و انقلابی ایفا کردند (همان، صص. ١٣٤–١٣٥).

توصیف وضعیت سرمایهٔ اجتماعی بازاریان در دورهٔ قاجار

در این بخش سرمایهٔ اجتماعی بازاریان دردورهٔ قاجار از طریق سه شاخص اصلی این متغیر یعنی شبکه‌های اجتماعی بازاریان، میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی آن‌ها موردبررسی قرار خواهد گرفت.

الف) شبکه‌های اجتماعی بازاریان

واژهٔ بازار در زبان فارسی به معنی محل خرید و فروش و عرضهٔ کالاست. در فارسی میانه به‌صورت وازار و وازارگ (بازاری) و وازارگان به‌کار می‌رفته است (سلطان‌زاده، ١٣٩٣، ص. ١١). از نظر مکانی می‌توان بازار را شبکه‌ای جغرافیایی با کارکردهای اقتصادی و تخصصی در هر شبکه درنظر گرفت؛ شبکه‌ای که هر انشعاب آن مختص مبادلهٔ کالا یا پیشه‌ای خاص است و درمجموع شبکهٔ بازار را تشکیل می‌دهد. پولاک در سفرنامهٔ خود درمورد تجمع هر صنف در یک راسته یا تجار کالاهای خاصی در یک کاروان‌سرا در بازار تهران چنین می‌نویسد: «به موجب یک رسم قدیم پیشه‌وران یک رشتهٔ خاص برای خود بازاری را در اختیار دارند و همچنین بازرگانان یک شهر معین صنعتی، مثلاً یزد، کاشان، کرمان و غیره در کاروان‌سرای معین سکنی گرفته‌اند» (پولاک، ١٣٦٨، ص. ٦٦). اورسل نیز در توصیف بازار تهران می‌گوید: «هر صنعت یا حرفه‌ای، بازارچه، راهرو و سرای خاصی را برای خود دارد و هر کسی به‌درستی می‌داند برای انجام کار خود دقیقاً به کجا باید مراجعه کند» (١٣٨٢، ص. ٢٤١).

بازار ایرانی فقط یک فضای اقتصادی نبوده، بلکه نوعی شبکهٔ اقتصادی، اجتماعی ـ فرهنگی نیز بوده است و در درون خود مساجد و مدارس مذهبی را جای می‌داده است. رنه دالمانی در سفر خود طی سال‌های ١٨٩٩ و ١٩٠٧ به ایران درمورد بازاریان و تجمع آن‌ها در کنار یکدیگر و همچنین حضور آن‌ها در مسجد بازار اشاره می‌کند (دالمانی، ١٣٩٣، ص. ١٢٩). بازارها درواقع ستون فقرات شهر را تشکیل می‌دادند و به مغز شهر یعنی مسجد جامع می‌پیوستند (سرایی، ١٣٨٩، ص. ٢٦). علاوه‌براین، بازار محل تبادل اطلاعات، اخبار و روزنامه‌ها بوده است. وقتی حکومت می‌خواست خبری را به اطلاع مردم برساند، غالباً عده‌ای به‌عنوان جارچی، آن خبر را ابتدا در بازار اصلی شهر جار

می‌زدند. این نوع اطلاع‌رسانی فقط مختص حکومت نبود و مردم نیز در مواردی با پرداخت مبلغی به جارچیان از این روش استفاده می‌کردند (سلطان‌زاده، ۱۳۹۳، ص. ۲۸؛ دوگوبینو، بی‌تا، صص. ٦٣- ٦٤).

مساجد، قهوه‌خانه‌ها، هیئت‌های عزاداری و انجمن‌های فتوت جزئی جدانشدنی از بازار را تشکیل می‌داده‌اند که محل تجمع بازاریان بوده است. قهوه‌خانه‌های درون بازار محل تجمع افراد یک صنف، یک قومیت خاص و گروه‌های مختلف اجتماعی بودند (فلور، ١٣٦٦، ص. ٦١). نمونه‌ای از نقش قهوه‌خانه‌ها را به‌عنوان شبکه‌ای اجتماعی و مؤثر بر ناآرامی‌های سیاسی می‌توان در گزارش کاساکوفسکی در باب ناآرامی تهران پس از قتل ناصرالدین‌شاه مشاهده کرد: «به قرار اطلاعات واصله در ایام اخیر کلیهٔ انتشارات از قهوه‌خانه‌ها صادر می‌شود که مردم در آنجا اجتماع نموده و هرگونه اکاذیبی که ممکن است ایجاد آشوب نماید محرمانه رد و بدل می‌نمایند» (کاساکوفسکی، ١٣٤٤، ص. ٧٦).

از مصادیق عضویت بازاریان در شبکه‌های غیررسمی اجتماعی حضور پررنگ آن‌ها در هیئت‌های عزاداری و برگزاری مراسم‌های مذهبی و مشارکت گستردهٔ بازاریان در این مراسم است (دولت‌آبادی، ١٣٦٢، ص. ٥٢؛ فلور، ١٣٦٦، ص. ٦٣). درمورد اهمیت شبکه‌های اجتماعی مذهبی گفتنی است که اولین حرکت‌های اعتراضی جنبش مشروطه از طریق مجالس عزاداری ماه محرم آغاز شد. برای مثال، خبر عکس نوز بلژیکی با لباس روحانیت و پخش این عکس در مجالس و هیئت‌های عزاداری انجام شد (دولت‌آبادی، ١٣٦٥، ص. ٥)، و اعتراضات به وضعیت نابه‌سامان اقتصادی جامعهٔ قاجار، انتقادات از حکومت، توسط وعاظ، در هیئت‌های عزاداری و مراسمی که در مساجد به‌پا می‌شد مطرح می‌شد.

مهم‌ترین شبکه‌های اجتماعی رسمی در دوران قاجار می‌توان از اصناف نام برد. در بازارهای ایرانی کسی بدون عضویت در اصناف نمی‌توانست در بازار فعالیت کند. فلور می‌گوید: «هر صنف به دستور حکومت یک طبقهٔ مالیاتی تشکیل می‌داد. بنابراین هیچ کاسب یا پیشه‌وری اجازه نداشت که در خارج صنف کار کند. این قانون پیوسته اجرا می‌شد» (فلور، ١٣٦٦، صص. ٤٩- ٥٠). اورسل در این خصوص می‌نویسد: «این دو دسته (پیشه‌وران و تاجرها)، تشکیلات صنفی نیز دارند و کسی را به نمایندگی خود انتخاب می‌کنند تا به‌طور غیررسمی بین آن‌ها و مقامات دولتی واسطه باشد. برای این کار صندوق مشترکی نیز دارند که اعضای صنف به فراخور حال مبلغی می‌پردازند» (اورسل، ١٣٨٢، ص. ٣١٤).

اصناف بازار درواقع یک شبکهٔ اقتصادی ـ اجتماعی نهادینه و منظم در بازار بوده است و همین ویژگی اصناف به بازاریان در جنبش مشروطه در حرکت‌های اعتراضی کمک شایانی برای بسیج توده‌های شهری می‌کرد. اهمیت اصناف زمانی بیشتر آشکار شد که٥٠ درصد نمایندگان شهر تهران در دورهٔ اول مجلس را تجار و نمایندگان اصناف تشکیل می‌دادند (شجیعی، ١٣٨٣، ص.٢٥٥). شواهد تاریخی نشان می‌دهد که بازاریان علاوه‌بر عضویت در شبکهٔ رسمی اصناف، ازدواج‌های درون‌گروهی و روابط خویشاوندی نیز داشته‌اند و نوعی شبکهٔ اجتماعی غیررسمی نیز در درون اصناف وجود داشته است (فلور، ١٣٦٦، ص. ٥٠؛ شمیم، ١٣٧٤، ص. ٣٧٥) و همین امر حمایت آن‌ها از یکدیگر را در فضای شهری دوچندان می‌کرد.

بازاریان به‌واسطهٔ این شبکه‌های اجتماعی، در روند جنبش‌های اجتماعی و اعتراضات دوران قاجار می‌توانستند گروه‌های حامی خود به‌خصوص روحانیون را با خود همراه سازند و با بسیج نیروهای اجتماعی همیشه‌حاضر در بازار اقدامات خود را

در سریع‌ترین زمان ممکن انجام دهند و نقشی عمده در پیروزی انقلاب مشروطه ایفا کنند.

ب) اعتماد اجتماعی بازاریان در دورهٔ قاجار

بسیاری از منابع دورهٔ قاجار از درستکاری، امانت‌داری، راستگویی و اعتبار بازاریان در جامعهٔ ایران سخن گفته‌اند. دوگوبینو در سفرنامهٔ خود درمورد اعتماد اجتماعی و اعتبار بازاریان نزد مردم ایران می‌نویسد: «یکی از بزرگ‌ترین طبقات شهرنشین ایران کسبه هستند که نزد مردم خیلی احترام دارند. کسبهٔ ایرانی مردمانی درستکار و امین می‌باشند ... کسبهٔ ایرانی مردمانی امین هستند و چون می‌دانند اساس زندگی آنان بسته به اعتمادی است که مردم به آن‌ها دارند سعی می‌کنند که هرگز لطمه به حسن شهرت آن‌ها نخورد» (دوگوبینو، بی‌تا، ص. ۳۰).

پولاک نیز در سفرنامه‌اش به اعتماد مردم به بازاریان و امانت‌داری آنان اشاره کرده است (پولاک، ۱۳٦۸، ص. ۳۹۳). حسینی فسایی در *فارس‌نامهٔ ناصری* درمورد تنی چند از بازاریان شیراز می‌نویسد:

> آقا محمدحسین، آقا لطف علی و آقا محمد ابراهیم تاجردهشتی، هر یک در امانت و دیانت معروف و مشهورند؛ علاوه‌بر این حاجی محمدرحیم تاجر ده‌دشتی، در درستکاری و اعتبار مشهور و معروف بود و حاجی زین‌العابدین به ریاست تجار و نهایت اعتبار و احترام بود (حسینی فسایی، ۱۳۷۸، صص. ۱۰۳۲– ۱۰۳۳).

از مصادیق اعتماد متقابل (بین‌شخصی) بازاریان به یکدیگر و اعتماد مردم به بازاریان می‌توانیم به رواج قرض دادن پول در میان بازاریان اشاره کنیم (مارتین، ۱۳۸۹، ص. ۳۷). علاوه‌بر رواج قرض بین بازاریان و مردم، سپردن پول به‌صورت امانت نیز بین بازاریان مرسوم بوده است (اتحادیه و روحی، ۱۳۸۵، ص. ٦۲۸). اسناد این دوران نشان

می‌دهد آن‌ها به مقیاس وسیعی وام در اختیار مردم قرار می‌داده‌اند یا از طریق دراختیار گرفتن سرمایهٔ دیگران و انجام امور تجاری، به صاحبان سرمایه سود پرداخت می‌کرده‌اند (اورسل، ١٣٨٢، ص. ٣١٥؛ مستوفی، ١٣٨٨، ص. ٣٨٣؛ اتحادیه و روحی، ١٣٨٥، ص. ٣٧٨).

مؤلفهٔ دیگری از اعتماد اجتماعی در میان بازاریان، انجام معاملات به‌صورت شفاهی و بدون ردوبدل کردن پول در بازار (شمیم، ١٣٧٤، ص. ٣٧٢؛ کاساکوفسکی، ١٣٤٤، ص. ٥٤) و استفاده از برات بوده است. آن‌ها از طریق برات که درواقع حاوی اعتبار اجتماعی ـ اقتصادی یک کاسب بوده است، معاملات خود را بدون تبادل پول نقد بین شهرهای مختلف انجام می‌داده‌اند. برات درواقع نوعی اعتماد اجتماعی و جایگزین پول با تکیه بر اصول اخلاقی بود (ترابی، ١٣٨٤، ص. ٤٨؛ ناطق، ١٣٧١، ص. ٣٠).

با گسترش مراودات تجاری بین ایرانیان و شرکت‌های خارجی و نفوذ سیاسی ـ اقتصادی غرب در ایران، آن‌ها توانستند نزد نمایندگان و شرکت‌های تجاری غربی نیز اعتبار اقتصادی ـ اجتماعی بالایی کسب کنند و اعتماد این شرکت‌ها (اعتماد نهادی) را به خود جلب کنند. برای مثال، حاجی عبدالرحیم تاجر شیرازی، مدیر کمپانی تجارتی فارس، که نمایندگی شرکت موییر و توییدی را داشت یا حاجی میرزا محمود کازرونی بزرگ‌ترین تاجر شیراز که عامل شرکت دیوید ساسون بود (اشرف، ١٣٥٩، ص. ٥٥). محمدمهدی ملک‌التجار (در بوشهر) به‌واسطهٔ اعتبارش نمایندهٔ چندین شرکت و کمپانی خارجی در ایران بود؛ ازجمله کمپانی زیگلر، کری بال و می (دشتی، ١٣٨٨، ص. ١٧٢). اعتماد به بازاریان فقط مخصوص شرکت‌های تجاری غربی نبوده و حتی مؤسسات مالی مانند بانک‌ها هم به بازاریان ایرانی اعتماد داشته‌اند و به آن‌ها وام‌های بدون وثیقه می‌داده‌اند (مستوفی، ١٣٨٨، ص. ٤٥٤؛ انتر، ١٣٦٩، ص. ٨٢– ٨٣).

اعتماد اجتماعی بازاریان به‌عنوان بعدی از سرمایهٔ اجتماعی آن‌ها در میان اقشار مختلف جامعه را می‌توان زیربنای همکاری انقلابیون با بازاریان برشمرد و مراجعهٔ انقلابیون به آن‌ها در روند جنبش مشروطه نشان‌دهندهٔ میزان بالای اعتماد اجتماعی بازاریان نزد رهبران جنبش مشروطه بوده است و شواهد حاکی از آن است که آن‌ها طرح‌ها و نقشه‌های خود را برای شروع اعتراضات با بازاریان درمیان می‌گذاشتند (ملک‌زاده، ۱۳۷۳، ص. ۲۵٤)؛ و در روند بست‌نشینی در سفارت انگلیس، اعتبار و اعتماد خارجی‌ها نسبت‌به بازاریان را در پیشنهاد شارژ دافر جهت کمک مالی به تجار می‌توان مشاهده کرد (ترابی، ۱۳۸٤، ص. ۱۳٦).

ج) مشارکت اجتماعی بازاریان در دوران قاجار

از مصادیق و معرف‌های دیرینهٔ مشارکت اجتماعی بازاریان می‌توان به ساخت مساجد، موقوفه‌های بازار مانند مغازه‌ها، زمین، حمام و کاروان‌سرا، حمایت و کمک مالی در امور خیریه، پرداخت خمس و زکات، سهم امام و نذورات، کمک به مدارس دینی اشاره کرد (مارتین، ۱۳۸۹، ص. ۳۷؛ فلور، ۱۳٦٦، ص. ۱٥٤). آثار اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم هجری شواهدی از مشارکت تجار در ساختن سراها، پل‌ها، کاروان‌سراها، قنات‌ها، مدرسه‌ها، دارالایتام‌ها و مسجدها به‌دست می‌دهند (اشرف، ۱۲٥۹، ص. ۲۸).

نویسندهٔ *فارسنامهٔ ناصری* درمورد مشارکت اقتصادی . اجتماعی بازاریان در امور عام‌المنفعه در شیراز گزارشاتی از ساخت کاروان‌سرا، پل، عمارت خیریه و اماکن مذهبی توسط بازاریان ارائه می‌دهد (حسینی فسایی، ۱۳۷۸، ص. ۹۱۸). دولت‌آبادی درمورد نقش تجار، در کنار علما و اعیان دولتی، در آبادانی عتبات عراق می‌گوید: «آثار آبادی آن [شهرها] و بناهایی که در نجف و کربلا و کاظمین و سامرا شده است.

اغلب به‌وسیلهٔ سرمایه‌داران از رجال دولت یا تجار و اعیان ایرانی شده است» (١٣٦٢، ص. ٣٥).

از دیگر مشارکت‌های فرهنگی کمک به انتشار برخی از روزنامه‌ها بود ازجمله *روزنامهٔ مظفری* بوشهر، *صور اسرافیل* و روزنامه‌های *چهره‌نما*، *ثریا* و *پرورش* که در مصر نشر می‌شد و از روزنامه‌های طرفدار اصلاحات بود (ترابی، ١٣٨٤، ص. ٤٦). بسیاری از وکلای روزنامهٔ *حبل‌المتین* در شهرهای مختلف ایران ازجمله اصفهان، کرمانشاه، قزوین، بندرگز، جلفا، کرمان، رفسنجان، بندرعباس، بارفروش، یزد استرآباد و گنبد کاووس از تجار و بازاریان بودند (روشن، ١٣٨٨، ص. ٦٧٦).

وقف نمونه‌ای از مشارکت اجتماعی گستردهٔ بازاریان در امور عام بوده است. طبق اسناد و مدارک تاریخی، وقف بخشی از سرمایه برای نیازمندان و امور خیریه در این دوران رواج داشته است (دوگوبینو، بی‌تا، ص. ٤٤؛ اتحادیه و روحی، ١٣٨٥، ص. ١٠٨، ٢٠٧، ٦٧٥). در دیگر شهرهای ایران نیز نمونه‌های بسیاری از وقف توسط بازاریان در این دوران به چشم می‌خورد مانند وقف بازارچه‌ای در محلهٔ خواجه خضر کرمان توسط زعیم‌باشی یکی از بازاریان معتبر کرمانی، وقف چندین کاروان‌سرا در مسیر کرمان مشهد توسط ارباب کرم علی، یا وقف کاروان‌سرای سرای گلشن توسط آقا عبدالباقی تاجر کاشانی در بازار اختیاری کرمان (نیک‌پور، ١٣٩١، ص. ١٠٦، ١١٢).

درمورد حمایت بازاریان از یکدیگر در مقابله با توسعهٔ تجارت خارجی در ایران در نیمهٔ دوم قرن ١٩ می‌توان به چند مورد اشاره کرد، مانند عدم به‌کارگیری کشتی‌های انگلیسی توسط تجار ایرانی برای حمل کالاها در سال ١٨٣٨م (مارتین، ١٣٨٩، ص. ٦٢)، تحریم مصرف چای در سال ١٨٤١م در تهران و تبریز، تشکیل اتحادیه‌ای از تجار و درخواست از دولت جهت جلوگیری از ورود کالاهای تولیدی اروپایی در ١٨٨٤م،

تحریم صادرات برنج از تبریز در سال ۱۸۵۳م و تحریم صدور گندم و جو در سال ۱۸۵٤م، تحریم صدور پشم در کرمان و یزد به سال ۱۸۵۵م، تحریم صدور غله به مدت مدت پانزده روز در بوشهر به سال ۱۸۷۵م (عیسوی، ۱۳۸۸، صص. ۱۱٤– ۱۱۵).

حمایت بازاریان از یکدیگر در برابر حکومت، به شکل بست‌نشینی یا شورش‌های اعتراضی و حتی ستیز بین بازاریان و مأموران حکومتی نمود می‌یافته است و نمونهٔ بارز آن جنبش تنباکوست (فلور، ۱۳٦٦، ص. ۱۰۳). نمونه‌های فراوانی از بست‌نشینی را می‌توان در دورهٔ قاجار مشاهده کرد؛ حوادث مختلف مانند درگیری تجار بر روی افزایش عوارض گمرکی با دولت در سال ۱۸۸۲ و ۱۸۹۵ که به بستن بازار منجر شد و درنتیجه حکومت تسلیم شد. در حادثه‌ای مشابه در سال ۱۸۹۹م نیز بحث افزایش عوارض بر روی برخی از کالاها مطرح شد که باز هم بازرگانان توانستند آنقدر هواخواه دست‌وپا کنند که حکومت ناگزیر به تسلیم شود (همان، صص. ۲۲۳ـ ۲۲۵).

یکی از گروه‌هایی که با بازاریان روابط بسیار محکمی داشته‌اند و حمایت‌های آن‌ها از یکدیگر در تاریخ ایران نمونه‌های فراوانی وجود دارد روحانیون بوده‌اند. دوگوبینو نیز در *سفرنامهٔ* خود به حمایت روحانیت از بازاریان اشاره کرده است و می‌گوید: «اتکا اصناف در ایران به دو طبقه است: اول به طبقهٔ بازرگانان که عموماً اصناف برای آن‌ها کار می‌کنند به‌طوری‌که می‌توان گفت بازرگانان ایرانی ارباب طبقهٔ اصناف هستند؛ دومین نقطهٔ اتکا کسبه علمای روحانی هستند» (دوگوبینو، بی‌تا، ۳۵)؛ فلور در همین رابطه می‌نویسد: «روابط علما با کسبه و صنعتگران استوار بود. بازاریان به‌شدت مذهبی بودند و چون علم دین در انحصار علما بود، بازاریان آن‌ها را به چشم رهبران روحانی می‌نگریستند. به‌علاوه معاملات تجاری، محاکم داوری و غیره، علما و بازاریان را با هم نزدیک می‌کرد. بسیاری از اعضای صنف ملا بودند» (فلور، ۱۳٦٦، ص. ۲٤). حمایت

متقابل بازاریان و روحانیت در جنبش تنباکو نمونهٔ بارزی از مشارکت اجتماعی موفق این دو گروه در دورهٔ قاجار است. علما یکی از محرکان اصلی جنبش و به‌عنوان نمایندهٔ بازاریان و تجار فعالیت می‌کردند (کدی، ١٣٥٦، صص.٧٩ـ ٨٠).

گروه دیگری از مردم که معمولاً طبقات مختلف بازاری به اشکال متفاوت (مالی و غیرمالی) در حمایت از آن‌ها فعال بوده‌اند طبقات پایین جامعه و فقرا هستند. در میان بازاریان، داش‌مشدی‌ها و لوطی‌ها (که بیشتر به شغل دست‌فروشی و همچنین کاسبی میوه‌فروشی و آجیل‌فروشی مشغول بوده‌اند) از نظر کمک و حمایت از فقرا در جامعهٔ قاجار معروف‌تر و مشهورتر بوده‌اند (مستوفی، ١٣٨٨، ص. ٣٠٣).

در تاریخ دورهٔ قاجار نمونه‌های بسیاری از حوادث فوق را، که نشان‌دهندهٔ حمایت بازاریان از یکدیگر، حمایت آن‌ها از گروه‌های مختلف و به‌خصوص روحانیون یا طبقات پایین باشد، می‌توان یافت. این شواهد تاریخی حاکی از مشارکت اجتماعی بالای بازاریان در زندگی اقتصادی ـ اجتماعی جامعهٔ شهری دوران قاجار بود و به آن‌ها زمینه‌ها و فرصت‌های لازم را برای کسب سرمایهٔ اجتماعی بیشتر در جامعهٔ شهری نسبت‌به دیگر گروه‌های اجتماعی ارائه می‌کرد. بازاریان به‌علت میزان بالای مشارکت اجتماعی و آشنایی با روش‌های حمایت از یکدیگر (بستن بازار و بست‌نشینی) و حمایت از گروه‌هایی که با آن‌ها پیوندهای اجتماعی دیرینه داشته‌اند، توانستند در جنبش مشروطه سرمایهٔ اجتماعی خود را در راستای دگرگونی و تغییرات اجتماعی جامعه به‌کار گیرند.

تحلیل فرضیات

درادامه به بررسی رابطهٔ سرمایهٔ اقتصادی ـ اجتماعی بازاریان و نوع نقش‌آفرینی آن‌ها در جنبش مشروطه می‌پردازیم و سعی خواهیم کرد تا چگونگی به‌کارگیری سرمایهٔ

اقتصادی ـ اجتماعی از سوی بازاریان را در روند جنبش بررسی کنیم و نوع نقش‌آفرینی آن‌ها را در روند انقلاب مشروطه (نقش انقلابی) و دستیابی آن‌ها به قدرت تحلیل کنیم.

جنبش مشروطه در ایران را می‌توان اولین انقلاب اجتماعی در تاریخ معاصر ایران دانست که نیروهای شهری نقش اصلی را در دستیابی به قدرت سیاسی ایفا کردند و هستهٔ اصلی آن‌ها را بازاریان، طلاب و روحانیون و روشنفکران تشکیل می‌دادند. اما در میان این گروه‌ها، بازاریان از نظر مشارکت اقتصادی ـ اجتماعی و بسیج نیروها نقش محوری را داشته‌اند و در کنار سرمایهٔ اقتصادی، به‌علت سرمایهٔ اجتماعی وسیعی که در اختیار داشته‌اند اعم از شبکه‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی آن‌ها در امور شهری به نیرویی همیشه آماده در جنبش مشروطه تبدیل شدند.

ملک‌زاده درمورد اعتماد اجتماعی و اعتبار بازاریان نزد انقلابیون و تأثیر حمایت و مشارکت اجتماعی بازاریان در شکل‌گیری جنبش مشروطه می‌نویسد:

> تجار با همکاری چند نفر از آزادی‌خواهان معروف مجمعی تشکیل دادند و بعضی از رؤسای اصناف را با خود هم‌دست کردند و در مخالفت با دولت، با رهبران ملت هم‌صدا شدند، زمانی نکشید که چند نفر از تجار معتبر و معروف به امانت، مانند حاجی سید محمدصراف علوی، حاجی محمدتقی شاهرودی، حاجی امین‌الضرب، حاجی علی شال‌فروش، معین‌التجار بوشهری، حاجی محمدتقی بنکدار و عده‌ای دیگر زمام امور را به‌دست گرفتند و مرکز مهم مستعد برای انقلاب تشکیل داده شد که در آینده عامل مهمی برای به‌دست آوردن مشروطیت گردید (ملک‌زاده، ۱۳۷۳، ص. ۲۵٤).

بازاریان که در قیام تنباکو به قدرت خود در دستیابی به خواسته‌هایشان، البته با حمایت متقابل از سوی علما، پی برده بودند در جنبش مشروطه نیز با حمایت متقابل دیگر گروه‌ها، به‌خصوص روحانیون و روشنفکران، توانستند در دستیابی به قدرت در

میدان سیاسی موفق باشند. ماجرای نوز بلژیکی و درخواست عزل او از گمرک ایران سرآغازی دوباره برای اعتراض به وضع موجود از سوی بازاریان شد. حضور نوز در گمرک ایران نتیجهٔ اخذ وام از دول استعماری و واگذاری امتیازات در دورهٔ قاجار بوده است؛ درنتیجه

> نوز در کارهای دولتی صاحب اختیار شده و برای افزایش عواید گمرک فراتر از نظام‌نامهٔ گمرک به تجار تعدی می‌نمود و مأمورین گمرک هم برای استفادهٔ شخصی نسبت‌به تجار سختی‌ها می‌کردند، این بود که کینه از مدیر ادارهٔ گمرک در دل تجار ایرانی پیدا شده بود (همان، ص. ۲۵۳).

اما آنچه توانست نیروهای انقلابی شهری را، حول محور اعتراض به نوز، به حرکت درآورد مشارکت اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی بازار بوده است. در این مرحله، شبکه‌های اجتماعی غیررسمی اعم از حضور در مساجد و مجالس عزاداری و روضه‌خوانی و حمایت متقابل علما و بازاریان در جریان بست‌نشینی در حرم عبدالعظیم موجب روشن شدن موتور انقلاب و آغاز کشمکش شد. دست به دست شدن عکس نوز، با لباس روحانیت درمجلس رقص، در روضه‌خوانی‌های محرم سال ۱۳۲۳(اسفند ۱۲۸۳ ـ مارس ۱۹۰۵) باعث علنی شدن انتقادات از دولت در مساجد ،که محل تجمع بازاریان و مردم عادی بوده، می‌شود و در این میان سید عبدا... بهبهانی نقش عمده‌ای در انتقاد از دولت ایفا می‌کند. شاه به او وعده حل مشکلات را می‌دهد، اما پس از چند روز و با عدم اجرایی شدن وعده‌های شاه دوباره مخالفت‌ها بالا گرفته و این بار با مشارکت اجتماعی بازاریان از طریق بست‌نشینی در حرم عبدالعظیم اعتراضات آغازی دوباره می‌گیرد (دولت‌آبادی، ۱۳٦۲، ص. ۵).

شریف کاشانی در خاطرات خود پیوند و حمایت متقابل بازاریان و روحانیون، استفاده از شبکه‌های بازار (صنف و مسجد)، اعتبار و اعتماد اجتماعی متقابل بین

بازاریان و وزیر تجارت وقت و همچنین استفاده از تاکتیک بستن بازار و بست‌نشینی در این مرحله از جنبش، که درواقع چگونگی استفاده از سرمایهٔ اجتماعی توسط بازاریان است، چنین شرح می‌دهد:

> بعضی از علما و برخی از طلاب و سادات و جمعی از تجار و کسبه هم همراه شدند. میرزا جوادخان سعدالدوله همچون وزیر تجارت است، به‌جهت عزل مسیو نوز، در همراهی به تجار اقداماتی دارد و دستورهایی به تجار می‌دهد که چنین و چنان بگویید و بکنید. آقا سید جمال واعظ و حاجی ملک‌المتکلمین هم در منابر و مجالس، تعدیات دولت را به مردم گوشزد می‌نمایند. یک دفعه تجار کاروان‌سراها و بازار را بسته؛ به اطلاع حجت‌الاسلام بهبهانی، قریب پانصد نفر از تجار رفتند به زاویهٔ مقدسهٔ عبدالعظیم متحصن شدند. از روز ۱۹ شهر صفر ۱۳۲۳، بزاز اصناف هم بازارها را بستند، در کمال سختی عزل مسیو نوز را در خواست کردند (شریف کاشانی، ۱۳٦۲، ص. ۲۰).

اما بازاریان پس از بست‌نشینی در حرم عبدالعظیم به‌واسطهٔ درخواست ولیعهد و تعهد وی نسبت‌به انجام درخواست‌های بازاریان، دست از بست‌نشینی کشیدند و به تهران مراجعت کردند. هرچند این حرکت بازاریان و علما به عزل فوری نوز منجر نشد، ولی باعث شد تا پس از بازگشت شاه از فرنگ عین‌الدوله جهت مأموریتی نوز و خانواده‌اش را از تهران خارج کند و به فرنگ بفرستد و اندکی آرامش به‌وجود آورد (همان، صص. ۲۱ –۲۳).

حادثهٔ دیگر کمیابی و گرانی قند و فلک کردن تجار قند تهران بوده است. این واقعه را می‌توان مصداق حمایت بازاریان از یکدیگر و روحانیت از بازاریان در این مرحله دانست. در شوال ۱۳۲۳ق (دی‌ماه ۱۲۸٤) به‌علت جنگ روسیه و ژاپن و تحولات روسیه (۱۹۰٤ـ ۱۹۰۵م) و کاهش صادرات آن از روسیه به ایران و همچنین قرارداد بین

چند تاجر دلال قند ایرانی و بانک روس، قند در ایران کمیاب شد. دولت و به‌خصوص علاءالدوله حاکم تهران از فرصت پیش‌آمده برای تنبیه تجار استفاده کردند و دو تن از تجار قند را به دارالحکومه آوردند و به چوب بسته فلک کردند (دولت‌آبادی، ۱۳٦۲، ص. ۱۰).

با این حرکت حاکم در بازار، که شبکه‌ای اجتماعی برای پخش خبر و همچنین بسیج نیروها بوده است، بلوا شد و بستگان مضروبین و تجار دیگر دست به شورش زدند. روحانیون و بازاریان معترض که حامیان یکدیگر بوده‌اند و تجربهٔ تاریخی زیادی در استفاده از این ابزار داشته‌اند، فردای آن روز با رهبری بهبهانی و صدرالعلما به مسجد شاه رفتند و بازارها بسته شد (همان، ص. ۱۱). در این مرحله شبکهٔ جغرافیایی ـ اجتماعی بازار که مسجد یکی از ارکان اصلی آن است، موقعیت و امکان لازم را برای تجمع معترضان فراهم کرد. نیروی کار بازار به‌عنوان یکی از اشکال سرمایهٔ اقتصادی بازاریان، کمک شایانی در این تجمعات و بسیج نیروها به بازاریان و انقلابیون کرد. ملک‌زاده حمایت روحانیون از بازاریان و حمایت بازاریان از یکدیگر را در مقابل دولت و تجمع آن‌ها را در مسجد جهت مشارکت در حرکت‌های اعتراضی چنین شرح می‌دهد:

> خبر چوب خوردن تجار مخصوصاً سید قندی که در امانت و دیانت معروف بود و به‌علاوه کبرسن از بازرگانان محترم تهران محسوب می‌شد چون برق در کاروان‌سراها و بازارها منتشر شد و عده‌ای از تجار و کسبه دکان‌های خود را بستند و گروه‌گروه گردهم جمع شدند و به چاره‌جویی پرداختند. رؤسای تجار و اصناف به مسجد شاه که جنب بازار است رفته تا به امام جمعه متوسل شوند و عده‌ای نیز به خانهٔ بهبهانی و طباطبایی و شیخ فضل الله رفتند و از واقعهٔ چوب خوردن تجار آگاه کردند (ملک‌زاده، ۱۳۷۳، صص. ۲٦۷– ۲٦۸).

آنچه اقدام دولت را نزد علما و بازاریان بیشتر نامشروع جلوه داده بود کتک زدن کسانی بود که سرمایهٔ اجتماعی بالایی در بازار داشتند. کاشانی از آن‌ها به‌عنوان افرادی محترم و دارای اعتبار اجتماعی و دارای مشارکت اجتماعی در امور عام‌المنفعه یاد می‌کند و می‌نویسد:

> علاءالدوله، پانزدهم شوال ۱۳۲۳ هـ ق. چند نفر از تجار را احضار و سه نفر آن‌ها که حاجی سیدهاشم که از سادات خیلی محترم به سن شصت ساله و معروف به تقدس و دیانت و متصدی ساختن مسجد و پل و اعمال خیریه، چوب مفصلی به او می‌زند که زیر چوب غش می‌کند، بعد هم حبسش می‌کند. در روز شانزدهم، تجار در حمایت از او بازارها را بستند و در مسجد شاه اجتماع کردند و علمای شهر من‌جمله بهبهانی، طباطبایی، صدرالعلما، شیخ مرتضی و ... نیز به مسجد آمدند و تصمیم به عزیمت به عبدالعظیم گرفتند (شریف کاشانی، ۱۳٦۲، ص. ۲۸).

بازاریان در زمان بست‌نشینی علما در حرم عبدالعظیم، حمایت خود را با بستن بازار، عدم حضور در مساجد، عدم حضور در کاروان‌سراها و حمایت مالی از بست‌نشینان نشان دادند (ملک‌زاده، ۱۳۷۳، صص. ۲۷۲ـ ۲۷٤؛ کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۲). در این مرحله بازاریان و روحانیون در راستای اهداف خودشان دست به تحصن و اعتراض زده بودند و از مشروطه‌خواهی، تشکیل مجلس شورای ملی و منافع دیگر گروه‌ها بحثی در میان آن‌ها مطرح نبوده است. آن‌ها درواقع حتی به‌دنبال تغییر ساختار سیاسی نیز نبوده‌اند و بیشتر منافع طبقاتی خود را دنبال می‌کردند. درخواست‌های متحصنان در عبدالعظیم موارد ذیل را دربر داشته است: ۱. عزل علاءالدوله از حکومت تهران؛ ۲. عزل نوز از ریاست گمرکات؛ ۳. امنیت دادن به همراهان ایشان بعد از آمدن به شهر؛ ٤. برگرداندن مدرسهٔ خان مروی به اولاد حاجی میرزا حسن آشتیانی؛ ۵. سیاست کردن عسگر نام گاریچی راه قم؛ ٦. تجلیل کردن از میرزا محمدرضا یکی از

علمای کرمان که از طرف حکومت کرمان به او بی‌احترامی شده است؛ ۷. برداشتن قیمت تمبر دولتی از مستمریات روحانیون؛ ۸. تأسیس دیوان عدالتی طبق شرع (دولت‌آبادی، ١٣٦٢، صص. ٢٠ـ ٢٥).

بعد از چندین بار مذاکره و وساطت سفیر عثمانی، شاه با صدور فرمان ایجاد عدالت‌خانه و درخواست‌های روحانیون موافقت کرد و علما در ١٦ ذیقعدهٔ ١٣٢٣ متحصنان به تهران بازگشتند. هرچند پس از بازگشت بست‌نشینان عدالت‌خانه تأسیس نشد و مخالفان موردآزار و اذیت واقع شدند، ولی آن‌ها توانستند با استفاده از سرمایهٔ اقتصادی ـ اجتماعی خود و حمایت جدی روحانیت و روشنفکران از بازاریان، یک بار دیگر در برابر حکومت به مقابله برخیزند و این اقدام آن‌ها زمینه‌ساز اعتراضات سال بعد ، مهاجرت کبری و بست‌نشینی سفارت انگلیس شد.

واقعهٔ دیگری که در روند جنبش مشروطه موجب اوج‌گیری دوبارهٔ کشمکش‌ها و مهاجرت علما به قم شد، قتل طلبه‌ای جوان در بازار به دست مأموران و حمایت بازاریان از این واقعه بوده است. این واقعه سرآغازی دوباره برای تبدیل سرمایه‌های اجتماعی بالقوهٔ بازاریان به حالت بالفعل شد و نقش‌آفرینی انقلابی آن‌ها جهت دستیابی به قدرت در میدان سیاست آغاز شد. آن‌ها در این مرحله با کمک متحدانی که خلأ سرمایهٔ فرهنگی آن‌ها را پر می‌کردند، یعنی روشنفکران و روحانیون مشروطه‌خواه، نوع درخواست‌های خود را تغییر دادند و به‌دنبال نقش‌آفرینی انقلابی و تلاش جهت دستیابی به قدرت در میدان سیاست برآمدند. درمورد آغاز درگیری‌های سال ١٢٨٥ش/١٩٠٦م و حمایت شبکهٔ بازار از روحانیت در برابر مأموران دولتی در کتاب آبی آمده است:

در یازدهم ماه ژوئیه (۲۰ تیر؛ ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۲٤ه.ق) وزیراعظم امر به قید یکی از وعاظ معروف نمود. همان وقت که او را مقید ساخته می‌خواستند ببرند یک زنی مردم را از گرفتاری وی مطلع ساخت. جمع کثیری از کسبه و غیره برای استخلاص او از هر جانب هجوم آوردند. رئیس مأمورین که از صاحب‌منصبان نظامی بود سربازها را فرمان شلیک داد. سربازها امتناع ورزیده امر صاحب‌منصب را اطاعت نکردند. فرمانده خودش مبادرت به شلیک کرده جوان سیدی را هدف گلوله ساخت؛ مردم از کشته شدن سید به هیجان آمده به قراول‌خانه‌ای که واعظ مذکور در آنجا حبس بود حمله آوردند و در این وقت چهار تیر از طرف سربازها شلیک شد و چند نفر از مردم مجروح گشتند (بشیری، ۱۳٦۳، ص. ۷).

این موضوع باعث هیجان مردم و تجمع آن‌ها در مسجد جامع، به‌عنوان یکی از مراکز شبکه‌های اجتماعی بازار شد. دولت‌آبادی درمورد ادامهٔ ماجرا می‌نویسد:

طلاب نعش سید را برداشته پیراهن خون‌آلود او را بر سر چوب کرده قرآن بالای آن بستند. چندین هزار نفر دنبال نعش اجتماع کرده گریه‌کنان و کاه‌برسرریزان در کوچه و بازار طهران گشتند دکان‌ها بسته شد نعش را به مسجد جامع بردند. آقا سید عبدالله و سید محمد و دیگر آقایان همه در آنجا اجتماع کردند و بلوا بزرگ شد. علما مردم را تهییج می‌کنند که دست از کارها کشیده حاضر شوند تا کاری از پیش برده تکلیف خود را با دولت معین نمایند. صبح جمعه دو ساعت از روز بر آمده مسجد جامع و بازارها و کوچه‌های اطراف آن پر است از جمعیت؛ نزدیک چهارسوق صاحب‌منصبان امر به شلیک می‌دهند و نزدیک به شصت نفر کشته و زخمی می‌شوند (دولت‌آبادی، ۱۳٦۲، صص. ٦۸ـ ٦۹).

بازاریان طبق سنت دیرینهٔ خود و سرمایهٔ اجتماعی بالایی که برخوردار بوده‌اند (شبکه‌های بازار، مسجد جامع به‌عنوان یکی از نهادهای اصلی تجمع بازاریان و مشارکت اجتماعی و حمایت از گروه‌های دیگر) با اتحاد روحانیون به مقابله با دولت

پرداختند. از این زمان بازاریان به‌صورت علنی وارد جنبش مشروطه‌خواهی شدند و خرده‌بورژوازی بازار به یکی از نیروهای اجتماعی اصلی انقلاب مشروطه تبدیل شدند. حمایت بازار از روحانیت و شبکهٔ اجتماعی بازار و دسترسی سریع آنان به مسجد جامع بازار قدرت آن‌ها را در شکل‌گیری سریع اعتراضات و بسیج در روند جنبش دوچندان می‌نمود.

پس از اعتراضات روز جمعه، علما در مسجد ماندند و باقی مردم را به خروج از مسجد ترغیب کردند. روز شنبه بازارها باز شد، ولی روز دوشنبه بهبهانی و طباطبایی به همراه عده‌ای از روحانیون و طلاب که حدود ۲۵۰ نفر بودند از طهران به قم مهاجرت کردند و به بازاریان پیشنهاد تحصن در سفارت انگلیس را دادند (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۲). در عصر روز ۲۵ جمادی الاول میرزا حاج آقای حریری که یکی از سرکردگان بزازها بود با یک نفر دیگر به قلهک شمیران که محل سفارت ییلاقی انگلیس بود رفتند و شفاهاً اجازهٔ پناهندگی به سفارت طهران را خواستند (همان، ص. ١٨٦).

بازاریان با استفاده از شبکه‌های اجتماعی خود در بازار (به‌خصوص اصناف) و اعتبارشان نزد سفارت توانستند جمعیتی حدود پانزده هزار نفر را در سفارت انگلیس گرد هم آورند و با بستن بازار حمایت همه‌جانبهٔ خود را از انقلاب اعلام کنند. پس از دریافت اجازه از سفارت و اطمینان، توسط عده‌ای از سران تجار و کسبه، بازاریان وارد سفارت شدند. کاتوزیان می‌نویسد:

> قریب پنجاه نفر در شب جمعه ۲۷ جمادی‌الاول وارد در سفارتخانهٔ انگلیس در طهران شدند. فردای آن روز دسته دسته از بازاریان دکاکین خود را بسته به سفارت رفتند و هر یک از طلاب مدارس نیز جوقه جوقه ملحق به متحصنین سفارت انگلیس شدند. عموم کسبه و اصناف بازاری و تجار تعطیل کردند و گروه گروه به

سفارت رفتند و هر صنفی چادری مخصوص برای خود به پا کردند و قریب پانزده هزار نفر در سفارت متحصنین گردیدند (۱۳۸۸، ص. ۱۸۷).

ترس بازاریان از تعدی عوامل حکومت، حمایت متقابل بازار، روحانیت و روشنفکران و مشارکت گستردهٔ بازاریان در بست‌نشینی و همچنین اعتبار بازاریان نزد نمایندگان دول خارجی را می‌توان از عوامل مؤثر بر مراجعه به سفارت انگلیس دانست. بازاریان به‌علت انباشت سرمایهٔ اجتماعی و به‌خصوص جلب اعتماد اجتماعی نمایندگان دولت‌های غربی، توانستند با هزینه کردن سرمایهٔ اجتماعی ـ اقتصادی‌شان کمک بزرگی به حفظ روند انقلابی در جامعه کنند و با بسیج نیروهای انسانی خود در این مرحله جمعیت عظیمی را در سفارت گرد آورند. ملک‌زاده درمورد تحصن بازاریان در سفارت انگلیس می‌نویسد: «نقشهٔ این کار را عده‌ای از تجار آزادی‌خواه و رؤسای اصناف و رهبران مشروطیت کشیده بودند و از طرف رهبران نهضت با نمایندگان سفارت مذاکره شده بود» (۱۳۷۳، ص. ۳۷۳).

در این مرحله از جنبش تلفیق سرمایهٔ اجتماعی (اعم از اعتماد اجتماعی متقابل بازاریان و رهبران جنبش، اعتماد نهادی آن‌ها، شبکه‌های اجتماعی بازار) و سرمایهٔ اقتصادی بازاریان توانست نیروی انقلابی عظیمی را بسیج کند. تمرینات اجتماعی آن‌ها در جامعهٔ ایران در امور عام‌المنفعه و مشارکت اجتماعی ـ اقتصادی‌شان در زندگی جامعهٔ شهری، در این مرحله به مشارکت آن‌ها در تهیهٔ لوازم و امکانات بست‌نشینی منجر شد، چنانکه کاشانی می‌نویسد: «تجار هم پولی سرنویس کرده، ناظر، آشپزخانه، اسباب، چراغ و فرش و اسباب لوازمات در سفارت را مرتب و مهیا کرده؛ با امیدواری ساکن شده‌اند. تقریباً قریب بیست و چهار هزار نفر جمعیت در سفارت مقیم کردند» (شریف کاشانی، ۱۳٦۲، ص. ۷۳).

سرمایهٔ اقتصادی پولی و نیروی کار در اختیار بازاریان در این مرحله کمک شایانی به پیش‌برد اهداف جنبش و بسیج توده‌های رده پایین و پایداری آنان در بست‌نشینی کرد؛ چنانکه تفرشی درمورد تقبل هزینهٔ شاگردان کسبه می‌گوید: «ناس مستعد بر اجرای قول خود هستند، زیراکه تجار یکصد هزار تومان حاضر نموده‌اند که در سفارت تا هر مدتی که بمانند خرج نمایند. تجار به کسبهٔ جزء گفته‌اند که جهت شاگردهای شما هم قراری خواهیم گذاشت و شاگردهای خود را اجرت نصفه بدهند» (تفرشی، ١٣٨٦، ص. ٢٧).

یکی دیگر از ابعاد سرمایهٔ اجتماعی بازاریان که در در جریان بست‌نشینی سفارت انگلیس، به پیروزی انقلابیون منجر شد، اعتبار و اعتماد اجتماعی بازاریان نزد نمایندگان خارجی بوده است. وکیل‌الدوله، منشی مظفرالدین‌شاه، معتقد بود شارژ دافر به تجار بزرگ پیشنهاد داد که می‌تواند به آن‌ها در زمان بست‌نشینی یک کرور تومان بدون تنزیل قرض بدهد تا بین کسبه به فراخور اعتبار و نیازشان تقسیم کنند و بعد از اصلاح امور به مرور به او برگردانند یا در جای دیگری، از تقسیم بیست هزار تومان چک بانک انگلیس توسط بازاریان معتبر در بین کسبهٔ خرده‌پا خبر می‌دهد (ترابی، ١٣٦، ص.١٣٨٤).

در زمان بست‌نشینی و با افزایش فشار بر حکومت، شاه و اطرافیانش برای ختم غائله سعی کردند تا از اعتبار اجتماعی بازاریان رده بالا و تجار بزرگ نزد مردم جهت ایجاد آرامش استفاده کنند. هرچند در این کار موفقیتی برای آن‌ها نبوده و بست‌نشینی در سفارت ادامه یافت (دولت‌آبادی، ١٣٦٢، صص.٧٥ـ ٧٨). مشارکت بازاریان در بست‌نشینی سفارت انگلیس بیش از ٢٣ روز ادامه پیدا کرد و آن‌ها در این مدت با حمایت‌های اقتصادی خود بخش عمده‌ای از هزینه‌ها را برعهده گرفتند و کمک مالی

تجار بزرگ علاوه‌بر تأمین هزینهٔ بست‌نشینی، کمک مالی به علما در قم را نیز دربر می‌گرفت (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۹۰). هزینه‌ای که بازاریان از سرمایه‌های اقتصادی و سرمایه‌های اجتماعی خود (مانند پرداخت هزینهٔ تحصن‌کنندگان، تعطیلی بازار وپرداخت شاگردان بازار، حمایت از گروه‌های انقلابی، روشنفکران و روحانیون، مشارکت در بست‌نشینی، حمایت از یکدیگر در بستن بازار) در این دوره کردند، به پیروزی انقلاب مشروطه منجر شد و سرانجام مظفرالدین‌شاه با درخواست متحصنان موافقت کرد و دست‌خطی را مبنی‌بر تشکیل مجلس شورای ملی یا همان فرمان مشروطیت در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۲۸۵ش (۵اوت ۱۹۰٦م) صادر کرد و بازاریان در این مرحله به کمک روحانیون و روشنفکران موفق به حضور در میدان حکومت و دستیابی به فراسرمایه در تاریخ ایران شدند. بازاریان بیش از ۵۰ درصد از نمایندگان تهران و ٤۱ درصد از کل نمایندگان دورهٔ اول را بازاریان تشکیل می‌دادند (شجیعی، ۱۳۸۳، ص. ۲۵۵). آن‌ها بخش عمده‌ای از کرسی‌های مجلس اول را به خودشان اختصاص دادند، ولی در قوهٔ مجریه و دولت‌های مشروطه نتوانستند نقش‌آفرینی چندانی داشته باشند.

نتیجه

براساس یافته‌های تحقیق، بازاریان با انباشت سرمایهٔ اجتماعی در دورهٔ قاجار از طریق مشارکت اجتماعی در امور عام‌المنفعه و تمرین حمایت از یکدیگر و گروه‌های اجتماعی مختلف به‌خصوص روحانیون، در دست داشتن شبکه‌های اجتماعی متعدد شهری ازقبیل بازار، مساجد، روزنامه‌ها، قهوه‌خانه‌ها و همچنین اعتبار و اعتماد اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی (اعتبار نزد مردم، روحانیت، نمایندگان سیاسی و اقتصادی خارجی و حتی دیوان‌سالاران) توانستند با تبدیل سرمایهٔ اجتماعی بالقوهٔ خود به سرمایهٔ اجتماعی بالفعل، نقشی اساسی در پیروزی انقلاب مشروطه ایفا کنند. علاوه‌براین،

بازاریان با داشتن مهم‌ترین ابعاد سرمایهٔ اقتصادی در جامعهٔ شهری یعنی پول و نیروی کار شهری در دورهٔ قاجار موفق شدند با استفادهٔ بهینه از این نوع سرمایه‌های اقتصادی، نیروی انسانی و هزینه‌های مالی لازم را در روند جنبش فراهم آورند. هرچند سرمایهٔ اقتصادی بازاریان در این فرایند بسیار کارآمد بود، اما آنچه از بررسی اسناد تاریخی برمی‌آید و در بررسی نقش بازاریان و خرده‌بورژوازی بازار در تحقیقات و نظریه‌های مرتبط خالی است، عدم توجه به سرمایهٔ اجتماعی بازاریان در مقایسه با دیگر گروه‌های شهری است که به آن‌ها قدرت بسیج نیروها و شکل‌دهی به اعتراضات را می‌داده است. درنتیجه بازاریان با استفادهٔ هم‌زمان از سرمایهٔ اقتصادی و اجتماعی خود توانستند نقشی اساسی در پیروزی انقلاب مشروطیت داشته باشند و با نقش‌آفرینی انقلابی در این مرحله از تغییرات اجتماعی تاریخ معاصر ایران برای اولین‌بار در میدان سیاست به قدرت دست یابند. اینکه آیا آن‌ها توانستند بعد از دستیابی به قدرت در قوهٔ مقننه، به‌عنوان نمایندگان مجلس، نقش‌آفرینی انقلابی خود را حفظ کنند نیازمند بررسی دیگری است که نگارندگان در پژوهش دیگری بدان خواهد پرداخت.

منابع

آفاری، ژ. (١٣٨٥). *انقلاب مشروطهٔ ایران*. ترجمهٔ ر. رضایی. تهران: بیستون.

اتحادیه، م.، و روحی، س. (١٣٨٥). *در محضر شیخ فضل‌الله نوری: اسناد حقوقی عهد ناصری*. تهران: تاریخ ایران.

اشرف، ا. (١٣٥٩). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران: دورهٔ قاجاریه*. تهران: زمینه.

انتر. ر. ل. (١٣٦٩). *روابط بازرگانی روس و ایران ١٩١٤*– ١٨٢٨. ترجمهٔ ا. توکلی. تهران: انتشارات موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.

اورسل، ا. (۱۳۸۲). *سفرنامهٔ قفقاز و ایران*. ترجمهٔ ع.ا. سعیدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ایوانف. م. س. (۱۳۵٤). *انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

بشیری، ا. (۱۳٦۳). *کتاب آبی، گزارش‌های محرمانهٔ وزارت امور خارجه انگلیس دربارهٔ انقلاب مشروطهٔ ایران*. تهران: نشر نو.

بوردیو، پ.ی. (۱۳۸۹). *نظریهٔ کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*. ترجمهٔ س.م. مردیها. تهران: نقش و نگار.

بوردیو، پ.ی. (۱۳۹۱). *تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*. ترجمهٔ ح. چاوشیان. تهران: ثالث.

پولاک، ی.ا. (۱۳٦۸). *ایران و ایرانیان (سفرنامهٔ پولاک)*. ترجمهٔ ک. جهانداری. تهران: خوارزمی.

پولانزاس، ن. (۱۳۹۱). *طبقه در سرمایه‌داری معاصر*. ترجمهٔ ح. فشارکی و ف. مجلسی‌پور. تهران: رخ‌داد نو.

تیلی، چ. (۱۳۸۳). *انقلاب‌های اروپایی (۱۹۹۲- ۱٤۹۲) بررسی تحلیل پانصد سال تاریخ سیاسی اروپا*. ترجمهٔ ب. بازرگانی گیلانی. تهران: کویر.

تیلی، چ. (۱۳۸۵). آیا مدرنیزاسیون باعث انقلاب می‌شود؟. *مطالعات نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*. ویراستاری ج. گلدستون. ترجمهٔ م.ت. دلفروز. تهران: کویر.

ترابی فارسانی، س. (۱۳۸٤). *تجار، مشروطیت و دولت مدرن*. تهران: تاریخ ایران.

تفرشی حسینی، ا. (۱۳۸۲). *روزنامهٔ اخبار مشروطیت و انقلاب ایران*. به کوشش ا. افشار. تهران: امیرکبیر.

جنکینز، ر. (۱۳۸۵). *پیربوردیو*. ترجمهٔ ل. جوافشانی و ح. چاوشیان. تهران: نشر نی.

حسینی فسایی، ح.م. (۱۳۷۸). *فارسنامهٔ ناصری*. تهران: امیرکبیر.

دالمانی، ه.ر. (١٣٩٣). *سفرنامه از خراسان تا بختیاری*. ترجمهٔ ع.م. فره‌وشی. تهران: دنیای کتاب.

دشتی، ر. (١٣٨٨). *تاریخ اقتصادی ـ اجتماعی بوشهر در دورهٔ قاجاریه، با تیکه بر نقش تجار و تجارت*. تهران: پازینه.

دوگوبینو، ک. (بی‌تا). *سه سال در ایران*. ترجمهٔ ذ. منصوری. تهران: فرخی.

دولت‌آبادی، ی. (١٣٦٢). *حیات یحیی*. تهران: جاویدان.

روشن، ا. (١٣٨٨). برگه‌هایی از تکاپوی فرهنگی تجار در دوران قاجار. *پیام بهارستان*، ٢، ٦٧٥ـ ٦٨٤.

سلطان‌زاده، ح. (١٣٩٣). *بازارهای ایرانی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

سرایی، م.ح. (١٣٨٩). تحولات بازارها ایرانی اسلامی (مطالعهٔ موردی بازار یزد). *شهر ایرانی ـ اسلامی*، ٢، ٢٥ـ ٣٨.

شریف کاشانی، م.م. (١٣٦٢). *واقعات اتفاقیه در روزگار*. به کوشش م. اتحادیه و س. سعدوندیان. تهران: نشر تاریخ ایران.

شجیعی، ز. (١٣٨٣). *نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی*. تهران: سخن.

شمیم، ع.ا. (١٣٧٤). *ایران در دورهٔ سلطنت قاجار*. تهران: مدبر.

عیسوی، چ. (١٣٨٨). *تاریخ اقتصادی ایران*. ترجمهٔ ی. آژند. تهران: گستره.

فلور، و. (١٣٦٦). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*. ترجمهٔ ا. سری. تهران: توس.

فورن، ج. (١٣٨٤). *نظریه‌پردازی انقلاب‌ها*. ترجمهٔ ف. ارشاد. تهران: نشر نی.

فورن، ج. (١٣٨٣). *مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از ١٥٠٠ میلادی (٨٧٩ ه. ش) تا انقلاب* ١٣٥٧. ترجمهٔ ا. تدین. تهران: نشر خدمات فرهنگی رسا.

کاتوزیان تهرانی، م.ع. (١٣٨٨). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاساکوفسکی (۱۳٤٤). *خاطرات کلنل کاساکوفسکی*. ترجمهٔ ع. جلی. تهران: کتاب‌های سیمرغ.

کدی، ن. آ. (۱۳٥٦). *تحریم تنباکو در ایران*. ترجمهٔ ش. قائم مقامی. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

کرزن، ج.ن. (۱۳۸۷). *ایران و قضیهٔ ایران*. ترجمهٔ غ.ع. وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.

کرمانی، ن. (۱۳۹۰). *تاریخ بیداری ایرانیان*. تهران: کوشش.

لنین، و.ل. (۱۳٦۰). *در برخورد با خرده‌بورژوازی (گزیده مقالات)*. ترجمهٔ ا. صادقی. تهران: گزیده.

مارکس، ک.، و انگلس، ف. (۱۳۸۸). *مانیفست کمونیست*. ترجمهٔ م. صابری. تهران: طلایه پرسو.

مارکس، ک. (۱۳۸۱). *نبرد طبقاتی در فرانسه از ۱۸٤۸ تا ۱۸٥۰*. ترجمهٔ ب. پرهام. تهران: نشر مرکز.

مارتین، و. (۱۳۸۹). *دوران قاجار: چانه‌زنی، اعتراض و دولت در ایران قرن نوزدهم*. ترجمهٔ ا. منفرد. تهران: نشر کتاب آمد.

مستوفی، ع. (۱۳۸۸). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دورهٔ قاجار*. تهران: زوار.

ملک‌زاده، م. (۱۳۷۳). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*. تهران: علمی.

مور، ب. (۱۳۷٥). *ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی (نقش ارباب و دهقان در پیدایش جهان نو)*. ترجمهٔ ح. بشیریه. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ناطق، ه. (۱۳۷۱). بازرگانان در داد و ستد با بانکی شاهی و رژیم تنباکو. پاریس: خاوران.

ناطق، ه. (۱۳٦۸). *ایران در راه‌یابی فرهنگی*. پاریس: خاوران.

نیک‌پور، م. (۱۳۹۱). *جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری*. تهران: نشر سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران.

Socio-economic capital of the bazaars and their role in the Constitutional Revolution

Seyyed Ali Asghar Hosseini Nozari[1], Reza Fazel, Hossein Kordi[2*]

Received: 25/02/2022 Accepted: 29/05/2022

Abstract

The purpose of this study is identify the effect of economic and social capital of bazaars in the Qajar period on their role in the process of the Iranian Constitutional Revolution, until the issuance of the constitutional decree by Mozaffar al-Din Shah.This Research Method is historical and for collect information have been used Travelogues, memoirs, documents and historical documentd.

The results showed that the social capital of the bazaars in the Qajar period along with their economic capital played a major role in the revolutionary role-playing of the bazaars and the victory of the constitutional revolution.

The bazaars of the Qajar period, by using their accumulated social capital in the urban society and using money and labor under their cover, were able to play a revolutionary role in the first constitution and gain power in the field of politics.

Keyword: Social Capital; Economic Capital; Bazaars; Constitutional Revolution; Revolutionary role-playing.

---

1. Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. https://orcid.org/0000-0003-1689-9981

2. Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author). Email: rfazel49@gmail.com https://orcid.org/0000-0003-3785-4993

3. Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran https://orcid.org/0000-0002-6895-8093